

تن دیگر به جرم ارتباط و همکاری با فدائیان اسلام دستگیر و زندانی شد. پس از آزادی از زندان، وزیر، وکیل و صاحب منصب پیشین در حالی که هیچ بهره و نصیبی از دنیا برای خود نینداخته بود در یک خانه استیجاری در خیابان آذربایجان تهران به زندگی ادامه داد و در جریان تجدید فعالیت شورای جبهه ملی به عضویت شورای مرکزی جبهه ملی دوم انتخاب شد و سرانجام نیز در ۵ فروردین ۱۳۴۰ بر اثر سکته قلبی درگذشت. پس از برگزاری مراسم تدفین و هفتم و چهلم، به همت یاران نریمان و به ویژه حاج حسن شمشیری و حسین شاه حسینی و حسن قاسمی و کریم آبادی مقبره‌ای برای وی ساخته شد که تا همین تابستان امسال پابرجا بود. اما درینا که پس از ۴۳ سال به بهانه گسترش احداث مسجد جدید و توسعه صحن امامزاده اسماعیل، محوطه گورستان متروکه که امروز تبدیل به بوستان شده است، قبور موجود در آن محوطه و از جمله مقبره شادروان سید محمود نریمان آماج حمله ماشین های سنگین خاکبرداری شده است و گودبرداری در آن مکان دیگر نه از ناک نشان بر جای گذاشته است و نه از ناکشان!

از آنان که این چنین مقابر مسلمین و از جمله قبر نریمان را بر هم زنده انتظاری نیست. اما درینجا از افراد و سازمان های مسئولی که مسئولیت خویش را از یاد برده اند. شاید آنان نیز چون مسیبیان و همچنین وسایل خاکبرداری، نامی از نریمان و پاکس سرشت او ننشیده اند

سال ها پیش در دوران کودکی همواره به هنگام عبور از گورستان متروکه محله مان دزگنده و در کنار بقعه امامزاده اسماعیل (ع)، مقبره سفیدی تریچه مرا به خود جلب می کرد. بعدها که بزرگ تر شدم و بر سر قبر حضور می یافتم، سنگی شکسته بر روی دیوار مقبره به چشم ام آمد که مورد حمله قرار گرفته بود و بخشی از آن شکسته بود. بر روی آن سنگ نوشته شده بود: «آرامگاه شادروان سید محمود نریمان جبهه ملی ایران. وفات ۵ فروردین ۱۳۴۰». در آن روزگاران، نه جبهه ملی را می شناختم و نه بالطبع سید محمود نریمان و همچنین نمی دانستم که به چه دلیل سنگ قبر را شکسته اند. به مرور ایام که با این مسائل آشنا شدم، هم تا حدودی جبهه ملی را شناختم و هم سید محمود نریمان را و همچنین در یافتم که سنگ قبر را چه کسانی و به چه دلیل و منظوری شکسته اند و چون از بزرگتران محل در این باره پرسیدم، آنان که در آن روزها در محله حضور داشتند از برگزاری مراسم تشییع باشکوه و مراسم شب هفتم و چهلم و سالگرد آن خفته در خاک، با حضور جمعیت بسیار زیادی که تمامی محوطه گورستان و حتی خارج از آن را شامل می شد، پرآیم گفتند. آنان که در آن مراسم شرکت داشتند، همچنین از حضور شخصیت های مبارز و سیاسی آن دوران همچون سران و رهبران جبهه ملی، از حضور آیت الله سید محمود طالقانی و غلامرضا تختی و دیگران سخن به میان آوردند. آن مقبره تا دوران پیر و زنی انقلاب همچنان پابرجا بود. بعد از پیروزی انقلاب سنگ شکسته

مهندس نریمان و مقبره ای که ویران شد

امیر طهرانی

گور را ترمیمی کردند و گرچه دوباره آن را دیگری از نوع نسل پیشین شکستند ولی مقبره همچنان پابرجا بود. سید محمود نریمان فرزند عون الملک در سال ۱۲۷۲ شمسی در تهران به دنیا آمد. پس از طی تحصیلات ابتدایی و متوسطه اعزام اروپا شد و در رشته تجارت از دانشگاه ژنو فارغ التحصیل شد و پس از چندی به کشور بازگشت. در مراجعت به مهن، نریمان در وزارت دارایی مشغول به کار شد. در طول سال های خدمت خود در وزارت دارایی مشاغل و مناصب همچون ریاست اداره اقتصاد، ریاست شربانیات، ریاست محاکمات اداری، رئیس کمیسیون ارز و مدیر کلی مالیات های مستقیم داشت. در سال ۱۳۲۲ به معاونت وزارت دارایی برگزیده شد و در سال بعد از آن در کابینه محمد ساعه به وزارت راه انتخاب شد. پس از چند ماه، نریمان به عنوان شهردار تهران برگزیده شد و به دنبال آن در سال ۱۳۲۶ در کابینه حکیمی وزارت پست و تلگراف و تلفن در عهده او قرار گرفت. نریمان تا این زمان به عنوان رجایی برجسته، پاک و صدیق در کسوت یک کارگزار به خدمت پرداخت. با آغاز مبارزات دکتر محمد مصدق در جریان برگزاری انتخابات دوره شانزدهم مجلس شورای

ملی، به همراه مصدق به اعتراض علیه استبداد و تقلب دربار و دولت در انتخابات پرداخت و به همراه مصدق و هیجده تن دیگر در درباره تحصن کرد. تحصن که پیامد آن، تاسیس جبهه ملی ایران بود. از آن به بعد تا به هنگام مرگ نریمان در صف مقابل دربار و شاه قرار گرفت. در جریان نهضت ملی شدن صنعت نفت، نریمان از جمله یاران وفادار نهضت و رهبری آن به شمار می رفت. نمایندگی مجلس شورای ملی در دوره های ۱۶ و ۱۷ و مدتی به عنوان وزیر اقتصاد در کابینه مصدق از جمله مشاغل نریمان در دوران حکومت دکتر مصدق بود. در روز ۲۸ مرداد و در جریان حمله به خانه دکتر مصدق، نریمان از جمله آخرین افرادی بود که تا آخرین لحظات ایستادگی کرد. پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، نریمان همچون دیگر رجال ملی و مبارز و وطنخواه تحت تعقیب قرار گرفت. در ۳۱ اردیبهشت ۱۳۳۴ به همراه باقر کاظمی، عبدالله مظفری، اللهیار صالح و شمس الدین امیرعلاهی دستگیر و به جنوب تبعید شد. دوران آزادی و بازگشت نریمان از تبعید چندان به طول نینجامیده بود که بار دیگر در دی ماه سال ۱۳۳۴ در جریان محاکمه